

لارا

کشور: ایران

هورین ادامه داد:

«واران نیه ناو فروشم»

و جلوی در هفت خانه رفت و به هر زن صاحب خانه
ملاقه‌ای آب داد و راهی چشمه بالای ده شدند تا باز طلب
باران کنند.

سرو صدای دعوای برادرها خوابید و جمعیت از مرد و زن
و بچه و جوان دنبال هورین راهی شدند.

به چشمه که رسیدند هورین پسرانش و مردم روستا را به
نان په‌پگ دست پخت خودش و ظرفی مسی از نمک قسم
داد که اختلاف را کنار بگذارند و هیچ کس دنبالش نیاید و با
نوه‌اش آوین که دستش را روی شانه اش تکیه داده بود راهی
سرچشمه شدند.

مردم پراکنده شدند و به دنبال کار و زندگی خود رفتند.
غروب آوین به تنهایی به خانه رفت. وقتی پدر و مادر و
عمو و زن عمو و دیگران از هورین پرسیدند آهسته گریه کرد
و گفت:

«مادر بزرگ کنار سرچشمه موهایش را حنا گذاشت و از
من خواست به خانه برگردم و بگویم که عروس آب شده،
در سرچشمه رفت تا سرش را بشورد و دیگر بیرون نیامد»



هما ایران پور

کمبود باران باعث کم آبی قنات و چشمه و جوی آب شده
بود. صدای نزاع آزار و سامال دو برادر که بخاطر تقسیم آب
باغ پدری مرحومشان دچار اختلاف شده بودند باز بالا
گرفت و همسایه‌ها بیرون ریختند. هورین مادر پیر و خمیده
آنها که دیگر طاقتش طاق شده بود با مشک کوچکی آب بر
دوش و ملاقه مسی یادگار جهیزیه‌اش از خانه یکی از برادرها
خمیده بیرون آمد و دعای طلب باران را زمزمه کرد:

«وی چه دوشم، وی چه دوشم»

شش زن دیگر یکی یکی به او پیوستند و تکرار کردند:

«وی چه دوشم، وی چه دوشم»

خانواده هورین و مردم روستا هراسان و دوان به سرچشمه
رفتند اما جز رخت‌های هورین و ظرف خالی نان په‌پگ و
نمک چیزی نیافتند.

آسمان رعد و برقی زد و باران باریدن گرفت. چشمان آزار
و سامان و زن و فرزندانشان هم خیس شد. صدای گریه آن‌ها
و اهالی ده در صدای باران گم شد و آب سرچشمه کم‌کم
بالا و بالاتر آمد.

لارا نام ایلامی به معنی پری دریایی
هورین نام ایلامی به معنی جریان آب
آوین نام ایلامی به معنی زلال مانند آب
آزار نام رود بزرگ و مشهور
سامال نامی ایرانی به معنی رعد و برق
په‌پگ نانی ایلامی با آرد و نمک و پیاز